

• **پس این ارتباط تا آخرین روزهای حضور شهید آیت الله رئیسی در آستان قدس ادامه داشت؟**
بله

• **حال آیت الله رئیسی پس از انتقال از آستان قدس به قوه قضاییه چطور بود و چگونه بحث ریاست ایشان در قوه قضاییه شکل گرفت؟**

حرف هایی شنیده بودیم که افرادی برای این سمت مطرح هستند. جلساتی هم برگزار شد که بنده، آقای اسماعیلی و برخی از دوستان در آن حضور داشتیم. برخی از قضات ارزشی هم در این خصوص با دفتر حضرت آقا مکاتباتی داشتند. ظاهراً دیوان عالی این بحث را مطرح کرده بود. خیر، اینکه آیت الله رئیسی رئیس دیوان بشوند؟ خیر، در جمع قضات بحثی شده بود راجع به... بله، درست است. تعدادی از قضات دیوان عالی کشور این موضوع را مطرح کرده بودند. بعد از مکاتباتی که با دفتر حضرت آقا صورت گرفت، احساس کردیم ایشان به این اتفاق بی میل نیستند.



• **آیا این بحث از طرف دیوان عالی کشور مطرح شده بود؟**

اینکه آیت الله رئیسی رئیس دیوان بشوند؟ خیر. اما در جمع قضات بحثی راجع به این موضوع شده بود. تعدادی از قضات دیوان عالی کشور این بحث را مطرح کرده بودند. پس از مکاتباتی با دفتر حضرت آقا، احساس کردیم که ایشان بی میل به این اتفاق نیستند.

• **واکنش شهید آیت الله رئیسی در این باره چه بود؟**

وقتی در این باره با آیت الله رئیسی صحبت می کردیم، چیزی نمی گفتند. ماشاء الله کتمان شان هم بالا بود. در نهایت خبر موثقی دریافت کردیم و به ایشان گفتیم: «حاج آقا شما چه بگویید، چه نگوئید، ما نشست هایمان را برگزار می کنیم و برنامه هایمان را خدمتتان ارائه می دهیم.»

• **جلسات شما در تهران برگزار می شد؟**
بله، آن موقع من در تهران بودم. جلسات را برگزار کردیم و جمع بندی ها انجام شد و خدمت ایشان گزارش دادیم. خمیرمایه مرحله اول تحول قضایی از همین جلسات شروع شد. جلسات بسیار سنگینی

برگزار شد و سپس دوباره با آیت الله رئیسی جلسه گذاشتیم. خود ایشان هم یک تیمی تعیین کردند که روی پایه های اولیه این موضوع کار کنند. سپس طرح به دفتر رفت و پس از چند بار رفت و برگشت و طی فرآیندهایی «مرحله اول تحول قضایی» ابلاغ شد که خوشبختانه در حال حاضر حضرت حجت الاسلام والمسلمین آقای محسنی اژه ای نیز در حال تکمیل آن هستند.

• **به نظر شما چرا آیت الله رئیسی حتی تا چند روز مانده به قطعی شدن موضوع، آن را کتمان می کردند؟**
به نظر بنده از ایشان خواسته شده بود که حرفی نزنند. این کتمان و رعایت مسائل حاکی از تقوای بالای ایشان بود.

• **تفضلات امام رضا(ع) به همه زائرین مشهور است. حتماً در آن دوره ای که ایشان در آستان قدس مسئولیت داشتند نیز اتفاقاتی از این دست که امام رضا(ع) عنایتی کرده باشند، پیش آمده است. در این باره شما خاطره ای ندارید؟**

اولاً به نظر من واژه «خادم الرضا» که رهبر عزیزمان در پیام تسلیتی که در پی شهادت ایشان صادر کردند، به کار بردند، بهترین و بزرگترین مدال برای ایشان است. عجیب بود که وقتی غبارروبی انجام می شد، همه علما با گلاب شستشو می دادند و چادری که باید روی مضجع منور امام(ع) بگذارند را قرار می دادند و بیرون می آمدند. ایشان باز هم همچنان اطراف قبر دور می زد، طوری که انگار دارد با معشوق خودش حرف می زند. سرش را می گذاشت روی سنگ قبر و گریه می کرد. تلویزیون هم صحنه هایی را نشان داده است. حساسیت های عجیبی نسبت به امام رضا(ع) داشتند.

• **می توانید خاطره ای دیگر از این دوره بگویید؟**

یک بار سردار حاج قاسم سلیمانی برای غبارروبی دعوت شده بود و ایشان هم آمدند. صحنه ها واقعا تکان دهنده بود. البته فیلمش را پخش کردند، ولی فیلم هم آن زبان لازم را برای بیان تمام آنچه که اتفاق می افتد ندارد. حاج آقا به من فرمودند که بگویید حاج قاسم بیاید داخل. برای اولین بار بعد از پیروزی انقلاب، که همیشه علما یا مراجع بزرگ برای غبارروبی مضجع منور حضرت رضا(ع) می آمدند، این بار یک مکتب برای غبارروبی دعوت شده بود. اولین مکلائی که برای غبارروبی مضجع منور وارد ضریح شد، حاج قاسم بود. رفتم خدمت ایشان و گفتم حاج آقا شما را صدا می زنند و می گویند بیایید داخل. حاج قاسم رفت و خم شد و زمین و بعد هم در را بوسید و رفت داخل و صحنه هایی که همه در تلویزیون دیدند.

• **علاقه بین شهید آیت الله رئیسی و حاج قاسم سلیمانی چطور بود؟**

علاقه ای که شهید آیت الله رئیسی به شهید حاج قاسم داشتند از سر علاقه ای بود که حاج قاسم به رهبری و حضرت سیدالشهدا(ع)، حضرت زینب(س) و قمر منیر بنی هاشم(ع) داشتند و آن استاد عتبات را راه انداخته بودند. این دو خیلی به هم علاقه داشتند. هر بار هم که حاج قاسم برای زیارت به مشهد می آمد، با هم خلوت هایی داشتند.

• **درباره هیئت تعیین شده برای ثبت شفایافتگان در زمان آیت الله رئیسی توضیح دهید.**

ایشان هیئتی تعیین کردند که آقای اسماعیلی و آقای منبئی هم جزو آن بودند.

• **آقای غلامحسین اسماعیلی؟**

بله که الان رئیس دفترشان هستند. آقای اسماعیلی آن موقع در مسئولیت رئیس کل دادگستری استان تهران بودند باید از تهران می آمدند، چون خادم حضرت نیز بودند. قرار شد این هیئت شرح حال شفایافتگان را بگیرند و تبدیل به کتاب شود. داستان

برخی از این شفایافته ها را که برای آیت الله رئیسی می گفتند، گریه ایشان را امان نمی داد.

• **می خواهید درباره بحث خادم یاری توضیحی بدهید؟**

یک بار پرسیدند ما چند هزار خادم داریم؟ یک رقمی داده شد. حاج آقا فرمودند چرا ما جلوی این عدد را بگیریم؟ این چهار هزار می تواند بشود چهار هزار، چهل هزار بشود چهارصد هزار، چهارصد هزار بشود چهار میلیون و... چه افتخاری از این بالاتر که یک نفر احساس کند خادم یار حضرت است؟ او هم بازدارندگی دارد، هم عشق به حضرت و هر چقدر که او اوج بگیرد، معنویت اوج گرفته. بنابراین نشستی برگزار و جمع بندی ای صورت گرفت و در نهایت چند نفر را اسم بردند و فرمودند که کار با آنها دنبال شود. خودشان هم اولین جلسه را تشکیل دادند و تصمیم گرفته شد برای هر استان یک نمایندگی به نام «نمایندگی آستان قدس» ایجاد شود. آستان قدس قبلاً فقط در استان هایی نمایندگی داشت که موقوفه داشتند، ولی با این دستور آیت الله رئیسی تمام استان ها دارای نمایندگی آستان قدس شدند.

• **نمایندگی ها چگونه ایجاد شدند؟**

به افرادی که در آن استان مقبولیت داشتند حکم نمایندگی می دادیم. برای افتتاح آن نمایندگی نیز بنده حضور پیدا می کردم و با حضور ولی فقیه معارفه صورت می گرفت و همه شخصیت ها هم حضور داشتند. به این شکل طرح خادم یاری راه اندازی شد. کار خادم یاری این بود که در مناسبت های مختلف، از جمله ماه رمضان، عید غدیر و... به نام حضرت رضا(ع) سفره می انداختند و اکثراً نیازمندان را دعوت می کردند، اما به این بسنده نشد.

خیرین نذورات خود را به جای اینکه بیایند مشهد و در ضریح مبارک بیندازند، در همان استان ادا می کردند. به نام امام رضا(ع) جهیزیه تهیه می شد و زوج جوان با نام مبارک حضرت وارد خانه بخت می شد.

• **می توانید مثالی از این طرح خادم یاری بزنید؟**

نمایندگی آستان قدس همدان را آقای دکتر کارخانه که جزو اساتید بنام هستند بر عهده دارند. بنده برای معارفه ایشان رفتم. در میان جمعیت کثیر این مراسم خانواده شهدای هسته ای، خانواده شهید همدانی، آیت الله موسوی که از علمای همدان هستند نیز حضور داشتند. پس از انجام معارفه، آقای کارخانه گفتند ما در اینجا چند نفر پزشک متخصص داریم که یک نفرشان می خواهد خاطراتش را از زمانی که خادم یار حضرت شده تعریف کند. یکی شان آمد و خیلی زیبا حرف زد. یک پزشک فوق تخصص بود که عمل قلب باز انجام می داد. ایشان می گفت چند نفر از نیازمندان استان را از یکی از روستاها به ما معرفی کردند. ما بررسی کردیم و دیدیم باید عمل قلب باز بشود. آزمایشات و بررسی های لازم را انجام دادیم و او را به اتاق عمل آوردیم. قبل از اینکه آمپول بیهوشی به او زده شود، همه ما پزشکان به او گفتیم: «عزیز ما! آقای فلانی! ما خادمین حضرت رضا(ع) هستیم و می خواهیم به نام امام رضا(ع) شما را عمل کنیم.»

وقتی آمپول بیهوشی را زدند، اشک هنوز گوشه چشم مریض بود. عمل جراحی قلب باز با موفقیت انجام شد و به آی سی یو و سی سی یو منتقل و بعد هم مراحل دیگر انجام شد و در نهایت زمانی که می خواست از بیمارستان مرخص شود، یک قاب عکس از گنبد و بارگاه امام رضا(ع) به همراه یک گل به او داده شد و به او گفتیم این هدیه امام رضاست و افتخار ما این است که شما را به نام امام رضا(ع) عمل کردیم و بعد هم خداحافظی و تمام. اما این مریض تا آخر عمرش، نه خودش، نه خانواده اش و نه حتی روستایش محبت امام رضا(ع) را فراموش نمی کنند. این یکی از نمونه برکات طرح خادم یاری بود که خدمت شما عرض کردم.

یک بار سردار حاج قاسم سلیمانی برای غبارروبی دعوت شده بود و ایشان هم آمدند. صحنه ها واقعا تکان دهنده بود.

البته فیلمش را پخش کردند، ولی فیلم هم آن زبان لازم را برای بیان تمام آنچه که اتفاق می افتد ندارد. حاج آقا به من فرمودند که

بگویید حاج قاسم بیاید داخل. برای اولین بار بعد از پیروزی انقلاب، که همیشه علما یا مراجع بزرگ برای غبارروبی مضجع منور حضرت رضا(ع) می آمدند، این بار یک مکتب برای غبارروبی دعوت شده بود. اولین مکلائی که برای غبارروبی مضجع منور وارد ضریح شد، حاج قاسم بود.

رفتم خدمت ایشان و گفتم حاج آقا شما را صدا می زنند و می گویند بیایید داخل. حاج قاسم رفت و خم شد و زمین و بعد هم در را بوسید و رفت داخل و صحنه هایی که همه در تلویزیون دیدند

رئیس عزیز

ویژه نامه چهلمین روز عروج شهدای خدمت